

فعالان زیست‌محیطی ناحیه زاگرس از نبود برنامه جدی برای احیا و جلوگیری از آتش‌سوزی هرساله جنگل‌های این منطقه می‌گویند

داغ زاگرس کی آرام می‌گیرد؟



خبرنگار گروه شد روز زینب مزرقی

تقریباً یک ماهی می‌شود که بخشی از جنگل‌های زاگرس در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و لرستان در آتش می‌سوزند. فعالان محیط‌زیستی معتقدند که هرچند ۹۵ درصد آتش‌سوزی‌ها دلایل انسانی دارد اما باز هم باید در فصل‌های سردسال، با توجه به تکرار آتش‌سوزی‌ها در چندسال اخیر چاره و برنامه‌ای اندیشیده می‌شد.

روابط عمومی منابع طبیعی و آبخیزداری لرستان، سرهنگ سعید امیری ۲۹ و ۳۰ خرداد ماه اعلام کرده بود ۶ نفر از عوامل عمدی آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع استان شناسایی شده‌اند. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری لرستان نیز اعلام کرده بود ۷۳،۵ هکتار جنگل و مرتع استان از ابتدای امسال تاکنون طعمه حریق شده که عامل تمام این آتش‌سوزی‌ها انسانی بوده است. به گفته حسین میرزایی طی این مدت ۱۴ فقره حریق در ۴۰ هکتار جنگل و ۳۳،۵ هکتار مراتع لرستان گزارش شده که بیشترین سطح در شهرستان چگنی بوده و عامل این آتش‌سوزی‌ها بی‌توجهی، بی‌دقتی و عدم احساس مسئولیت افراد بوده که منجر به هدررفت سرمایه‌های ملی شده است. بیشترین جنگل‌های ناحیه زاگرس در لرستان قرار گرفته است به نحوی که از مجموع ۶ میلیون هکتار شناسایی شده، یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار در لرستان است و با توجه به وجود ۹۰۰ هزار هکتار مرتع، این حجم از آتش‌سوزی‌ها در عرض چند هفته، نگران‌کننده است. همچنین بیش از ۶۰۰ هزار هکتار از اراضی طبیعی مناطق مختلف استان کهگیلویه و بویراحمد، بخش دیگر ناحیه زاگرس مستعد آتش‌سوزی است.

■ ■ ■

از بی‌دقتی تا آتش‌سوزی برای خروج ذغال از دل زاگرس

آتش‌سوزی، جزء جدایی‌ناپذیر اکوسیستم است. یعنی تاوقتی که انسان باشد، آتش‌سوزی هم وجود دارد؛ چراکه ۹۵ درصد آتش‌سوزی‌ها عامل انسانی دارند. عامل انسانی نیز می‌تواند هم سهوی باشد و هم عمدی. همچنین امسال با توجه به بارش‌های خوب منطقه، تا حدودی آتش‌سوزی‌ها دیرتر اتفاق افتاد. اما این تنها مختص به مناطق سردسیری است. یعنی آتش‌سوزی‌ها در مناطق گرمسیری مدتی است که آغاز شده ولی در مناطق سردسیری، تاگی‌ها شروع شده است. در بخش زاگرس که استان‌های مختلفی تحت پوشش قرار دارند، اغلب استان‌ها درگیر هستند. مثلاً در استان کهگیلویه و بویراحمد، شهرستان‌های کهگیلویه و گچساران نزدیک به یک ماه است که درگیر آتش‌سوزی هستند. همچنین در لرستان شهرستان پلدختر، در کردستان و ناحیه غربی کشور آتش‌سوزی خیلی وقت است آغاز شده است.

امید سجادیان، فعال زیست‌محیطی زاگرس می‌گوید دلایل آتش‌سوزی متفاوت است. او توضیح می‌دهد: «با توجه به عواملی که در مناطق وجود دارد، دلایل آتش‌سوزی‌ها متفاوت است. ممکن است بی‌احتیاطی کشاورزان باشد یا بی‌احتیاطی گردشگران یا افراد حاضر در منطقه. همچنین احتمال دارد که عامل آتش‌سوزی زنانی باشند که برای برداشت گیاهان دارویی به جنگل‌های زاگرس مراجعه می‌کنند. دلایل عمدی هم می‌تواند، زمین‌خواری و تعارضات محلی باشد. تعارض بین مردم و دولت، گاهی خودش را در آسیب دیدن جنگل نشان می‌دهد. گاهی وقت‌ها ممکن است بی‌عدالتی صورت بگیرد و مردم چون فکر می‌کنند جنگل متعلق به دولت است، به جنگل آسیب وارد کنند.» او در توضیح این مساله می‌گوید: «ممکن است فردی ذغال تولید کند. وقتی این فرد را جریمه می‌کنند، فرد برای تلافی جنگل را آتش می‌زند. در بسیاری از مناطق این اتفاق افتاده بود. همچنین اختلاف میان محلی‌ها خودش را در آسیب به جنگل نشان می‌دهد. گاهی در میان نیروهای دولتی دیدیم تعداد معدودی از محیط‌بانان وقتی اخراج شدند، با این انگیزه دست به آتش‌سوزی جنگل زدند. اما در هر صورت بحث‌های زمین‌خواری در جنگل‌های زاگرس بسیار پرزگ است. وقتی می‌خواهند زمین را تصرف کنند، جنگل را آتش می‌زنند. همچنین افرادی که می‌خواهند از درخت ذغال بگیرند، جنگل را به آتش می‌کشند؛ چراکه جنگلی که سوخته، خارج کردن چوب آن راحت‌تر است.»

دلایل آتش‌سوزی در منطقه بررسی نمی‌شود

این فعال زیست‌محیطی زاگرس اما انتقادش به مساله آتش‌سوزی‌های زاگرس جدی‌تر است و این پرسش را مطرح می‌کند که چرا دلایل آتش‌سوزی‌ها اعلام نمی‌شود؟ سجادیان توضیح می‌دهد: «مشکل اصلی ما این است که دلایل آتش‌سوزی‌ها در مناطق بررسی نمی‌شود؛ چراکه مساله آتش‌سوزی جنگل‌ها چندبخش دارد. یکی برنامه‌ریزی برای احتمال وقوع آتش‌سوزی است. یعنی در زمانی که هنوز آتش‌سوزی‌ها آغاز نشده و فصل سرد سال است، دلایل را بررسی کنند. برنامه‌ریزی کنند. چرا باید در یک منطقه در چندسال اخیر، چندبار آتش‌سوزی صورت بگیرد؟ مناطق پرخطر ما در آتش‌سوزی کجاست؟ چه راهکاری می‌توان برای جلوگیری از آتش‌سوزی‌ها داشت؟ راهکار مردم محلی چیست؟» سجادیان عنوان می‌کند در منطقه ذغی نفع مختلفی

فعالان زیست‌محیطی ناحیه زاگرس از نبود برنامه جدی برای احیا و جلوگیری از آتش‌سوزی هرساله جنگل‌های این منطقه می‌گویند

داغ زاگرس کی آرام می‌گیرد؟



داریم که اشراف بهتری دارند. همچنین در منطقه با توجه به نوبه برداری‌ها و کاربری‌هایی که وجود دارد، می‌توان دلیل آتش‌سوزی‌ها را بررسی کرد. جنگل‌های زاگرس یک منطقه گردشگری است. همچنین قاچاقچی‌های چوب هم در منطقه حضور دارند. تمام این موارد باید درنظر گرفته شود و در انتها برای آتش‌سوزی‌های زاگرس، راهکار ارائه شود. یعنی وقتی در منطقه‌ای آتش‌سوزی‌های متعددی به دلیل آتش‌زدن پسماند کشاورزی رخ می‌دهد، چرا باید این اتفاق مدام تکرار شود؟ کدام افراد اساساً ذی‌مدخل هستند و باید به مساله ورود کنند؟

این فعال محیط‌زیستی همچنین ادامه می‌دهد: «متولی هر کاری در مساله آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس باید مشخص شود. جهاد کشاورزی وقتی در مساله آتش‌زدن پسماند زمین‌های کشاورزی متولی است، چرا ورود نمی‌کند؟ چرا محیط‌زیست شکایت نمی‌کند؟ چراکه براساس قانون آلودگی هوا، آتش‌زدن پسماند جریمه دارد. راهکارهای قانونی باید پیش گرفته شود. از طرفی دیگر، مساله آموزش نیز باید جدی گرفته شود. وقتی بدانند که این آتش‌زدن چه نفع‌ها و چه ضررهایی دارد، متوجه خواهند شد که آسیب‌های آتش‌سوزی، بیشتر از ضررهایش است. زمین وقتی هرسال آتش‌زده شود، مقاوم و نفوذناپذیر می‌شود. این موارد باید آموزش داده شود تا در کنار هم به یک نتیجه برسیم. اما می‌بینیم این بخش اصلاً جدی گرفته نمی‌شود.»

در اطفای حریق جنگل‌ها نیروی متخصص نداریم

او عنوان می‌کند وقتی متولیان محیط‌زیست کشور از مرز زمین‌های کشاورزی و جنگل اطلاع دارند باید این مرزها را مشخص کنند و جنگل را از زمین‌های کشاورزی منطقه جدا کنند. سجادیان می‌گوید: «پس از مساله و رکن اول که پیشگیری از آتش‌سوزی و برنامه‌ریزی برای آن است، در مرحله دوم به اطفای حریق می‌رسیم که در آن هم کم‌کاری داریم. در اینجا هم معضل داریم و هرسال غافلگیر می‌شویم. نیروهایمان آموزش ندیده‌اند. نیرویی که مخصوص اطفای حریق جنگل است در تمام دنیا ایستگاه خاص خودش را دارد و مخصوص اطفای حریق جنگل هستند. اما اینجا در اطفای آتش‌سوزی‌های جنگل، بخشی‌شان نیروهای یگان حفاظت از محیط‌زیست هستند. بعد هم نیروهای ادارات متولی را شیفتی وارد منطقه می‌کنند. این نیروها آموزش ندیده‌اند. از طرفی دیگر تجهیزات کاملی در اختیارشان قرار نمی‌دهند.» این فعال زیست‌محیطی زاگرس ادامه می‌دهد: «کارگروه‌های مدیریت بحران وظایف قانونی‌شان را انجام نمی‌دهند. تمام اینها به کنار، ما معتقدیم اصلاً برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای این مساله ندارد. کمبود نیرو و کمبود تجهیزات دارند. نیروهایشان از لحاظ معیشتی دچار مشکل هستند. حتی حقوق و بیمه افرادی که برای اطفای حریق به منطقه اعزام می‌شوند هم مشخص نیست. حقوق‌شان ۸ میلیون تومان است و این پرسش مطرح است این فرد اگر دچار آسیب شوند، چگونه باید با این حقوق پیگیر درمان شوند؟ در بخش مردمی هم مشکلات متعددی داریم. با توجه به اینکه اولین گروه‌هایی که در منطقه حضور پیدا می‌کنند، داوطلبان مردمی است، باز هم در ساماندهی گروه‌های مردمی دچار مشکل هستیم.»

دبیر تشکل نهضت سبز زاگرس ادامه می‌دهد: «طی چندسال اخیر که آتش‌سوزی‌ها بیشتر اطلاع‌رسانی شده‌اند، متأسفانه ۱۷ نفر از داوطلبان مردمی جان‌شان را از دست دادند. تعداد بسیار زیادی هم مصدوم شدند. اما همچنان موضوع حضور گروه‌های مردمی به روال قبلی پیش می‌رود. بسیاری از این افرادی که کشته شدند، شامل قانون‌فداکار خدمت‌نمی‌شوند. وقتی پیگیر شدیم که این افراد چگونه بیمه می‌شوند، به ما گفتند از طریق بیمه بی‌نام. برای استفاده از بیمه بی‌نام هم فرد باید شامل قانون فداکار خدمت

بیمه شود.»

■ ■ ■

ائتلاف سیاسی چه کارکردی در انتخابات ۸ تیر دارد؟

اصولگرایان در آزمون عقلانیت

ادامه از صفحه یک

۲- ائتلاف در جریان اصولگرایی در دو سطح مطرح می‌شود؛ اول کنار رفتن دو نامزد فرعی‌تر که برای زیر ۱۰ درصد دارند و دوم اجماع روی یکی از دو نامزد اصلی یعنی قالیباف و جلیلی. کنار رفتن سه نامزد اول در کمپین‌های انتخاباتی هم افزایش ایجاد می‌کند، ثانیاً سبب می‌شود در چند روز باقی‌مانده که زمان جلب نظر آرای خاموش است، انرژی ستادها برای درگیری‌های داخلی تلف نشود. یک تحلیل محتوای توپیتوری نشان می‌دهد حدود یک سوم محتوای توپیت‌های انتخاباتی در نقد دو نامزد اصلی اصولگرایان بوده است. این بساط با ائتلاف جمع می‌شود. ۳- ائتلاف و به یک گزینه واحد رسیدن حباب تردید در انتخابات و مارپیچ سکوت را می‌شکند و تکلیف خیلی از مردد‌ها را مشخص می‌کند. ۴- ائتلاف می‌تواند روی روند کمپین رقیب هم اثر بگذارد. از طرفی می‌تواند آنها را جدی‌تر کند اما از سوی دیگر ممکن است به ناامیدی هم بکشد و روند رقیب را کند یا حتی آرای رقیب را کاهش کند، خصوصاً اگر آنها بدانند در مشارکت ۵۰ درصدی بسیار محتمل است در دور اول بیازند.

موانع و تردیدهای احتمالی برای ائتلاف کدام‌ها هستند؟

۱- مانع اول خود کاندیداها هستند. بسیاری از نامزد‌هایی که وضع بهتری از نظر

جوگر خوب و بد!



سیدجواد نفوی خبرنگار گروه ایده حکمرانی

محمد قوچانی از دهه ۹۰ تلاش می‌کرد رابطه‌ای بین عدالت‌خواه‌ها و دولت احمدی‌نژاد صورت‌بندی کند تا نشان دهد این طیف رادیکال مانع از ایجاد دولت ملی و ملی‌اندیشیدن هستند. توسل به سیدجواد طباطبایی هم یکی از همین راهکارها بود. او خیلی زود واژه مورد نظر خود برای بیرون راندن عدالتخواه و گفتاری که ناقد ایده اعتدال ایران‌شهری او بودند را پیدا کرد؛ حمله با پرسب (جوگر). تقریباً در سه سال اخیر قوچانی تلاش کرده است نشان دهد احمدی‌نژاد و عدالتخواه‌ها و آنهایی که هنوز از گفتمان و گفتار انقلابی دفاع می‌کنند به نوعی جوگرسیسم ختم می‌شوند؛ ویژگی جوگرسیسم هم مشخص است؛ آنارشیمی که مانع از وحدت ملی می‌شود و با پوپولیست‌گرایی چپ خود مانع از توسعه ایران قوی می‌شود. نکته جالب توجه این بحث جوگرسیسم اینجا است که همین ۳ هفته قبل که آخرین شماره مجله قوچانی در گفت‌وگو با محمد جواد ظریف منتشر شد تیتری که برای شروع بحث انتخاب شده بود این‌گونه بود: بیابید این جوگرها را کنار بگذاریم. قوچانی تلاش کرده بود ظریف دوره هشت‌ساله او را نماد عقلانیت نشان دهد و مخالفان او را به صورتی نمادسازی کرده بود که جوگرسیسم باعث شد حتی ظریف هم به آنچه در سر دارد و خواسته‌های مترقی به صورت کامل نرسد، این روایت مدام در حال بازتولید بود تا شروع انتخابات پیش رو...

آنچه احتمالاً قوچانی تصورش را هم نمی‌کرد، رفتارهای عجیب ظریف که بسیار مشابه محمود احمدی‌نژاد است حتی در سطحی پایین‌تر، به تصویر یک روزها تبدیل شده است. نمایش‌های پوپولیستی ظریف که همین ۳ هفته قبل در گفت‌وگویی قصد داشت او را نماد عقلانیت نشان دهد، نوعی احتمالاً شوک به ایده قوچانی است؛ حتی کار از ظریف فراتر رفت و حرکت شبیه جوگری محمد فاضلی که او هم نماینده جامعه‌شناسی توسعه‌گرا و عقلانیت بود هم در همین سبب قرار می‌گیرد؛ ظاهراً حالا جوگرسیسم برای رسیدن به قدرت بد نیست؛ هیئات من‌الجاهی دپش تا پرتاب میکروفن به سمت کاندیدای خودی و هر لحظه صحبت‌های احمدی‌نژادگونه خیلی هم بد نیست. کار به جایی ختم شده که محمد قوچانی در مناظره با احدیان مشاور قالیباف دو بار از وحید اشتری به عنوان یک فرد مظلوم یاد کرد! و حتی بیان کرد بعد از این مناظره می‌ترسد به سرنوشت او دچار شود!

وحید اشتری و دیگر عدالتخواه‌ها که روزی نماد جوگرسیسم بودند و قوچانی سعی داشت بگوید آنها همان مارکسیست‌های پیشا‌انقلابی هستند که مانع از حکمرانی مطلوب هستند و همان‌طور که ایده‌هایی مثل شریعتی و جلال خطرناک است، عدالتخواهی جدید هم نوعی خطر بالقوه است؛ حالا چگونه در گفت‌وگو با محمد مبارزه و مظلومیت یاد می‌شوند! بالاخره جوگرسیسم بد است یا خوب است؟

به نظر می‌رسد محمد قوچانی که در سال‌های گذشته سعی داشته دوگانه عقلانی و جوگرسیسم ختم کند، حالا منوجه شده این دوگانه یک برساخت صرفاً سیاسی‌زده بوده و گاهی جوگرپازی و جوگرسیسم هم می‌تواند مطلوب باشد، فقط باید احتمالاً دوگانه جوگر خوب و بد را شکل دهند یعنی اگر اشتری و احمدی‌نژاد یا دیگر افرادی که در خط‌مشی اصلاح‌طلبان و سازندگی نیستند دست به رفتارهای رادیکال بزنند آنها را جوگر بد قلمداد می‌کنند ولی اگر محمد جواد ظریف با فاضلی یا حتی خود قوچانی رادیکالیسم پوپولیستی را شکل دهند در راستای کمک به وطن است و جوگرسیسم خوب است! این دوگانه را می‌شود این روزها مشاهده کرد.

اما درحقیقت اگر جوگرسیسم و رادیکالیسم و پوپولیسم علیه وطن و ایران دوستی است فرق ندارد که ظریف آن را نمایندگی کند یا محمود احمدی‌نژاد.

فعال زیست‌محیطی زاگرس ادامه می‌دهد: «کارگروه‌های مدیریت بحران وظایف قانونی‌شان را انجام نمی‌دهند. تمام اینها به کنار، ما معتقدیم اصلاً برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای این مساله ندارد. کمبود نیرو و کمبود تجهیزات دارند. نیروهایشان از لحاظ معیشتی دچار مشکل هستند. حتی حقوق و بیمه افرادی که برای اطفای حریق به منطقه اعزام می‌شوند هم مشخص نیست. حقوق‌شان ۸ میلیون تومان است و این پرسش مطرح است این فرد اگر دچار آسیب شوند، چگونه باید با این حقوق پیگیر درمان شوند؟ در بخش مردمی هم مشکلات متعددی داریم. با توجه به اینکه اولین گروه‌هایی که در منطقه حضور پیدا می‌کنند، داوطلبان مردمی است، باز هم در ساماندهی گروه‌های مردمی دچار مشکل هستیم.»

دبیر تشکل نهضت سبز زاگرس ادامه می‌دهد: «طی چندسال اخیر که آتش‌سوزی‌ها بیشتر اطلاع‌رسانی شده‌اند، متأسفانه ۱۷ نفر از داوطلبان مردمی جان‌شان را از دست دادند. تعداد بسیار زیادی هم مصدوم شدند. اما همچنان موضوع حضور گروه‌های مردمی به روال قبلی پیش می‌رود. بسیاری از این افرادی که کشته شدند، شامل قانون‌فداکار خدمت‌نمی‌شوند. وقتی پیگیر شدیم که این افراد چگونه بیمه می‌شوند، به ما گفتند از طریق بیمه بی‌نام. برای استفاده از بیمه بی‌نام هم فرد باید شامل قانون فداکار خدمت

بیمه شود.»

■ ■ ■

ائتلاف سیاسی چه کارکردی در انتخابات ۸ تیر دارد؟

۱- مانع اول خود کاندیداها هستند. بسیاری از نامزد‌هایی که وضع بهتری از نظر

۲- ائتلاف در جریان اصولگرایی در دو سطح مطرح می‌شود؛ اول کنار رفتن دو نامزد فرعی‌تر که برای زیر ۱۰ درصد دارند و دوم اجماع روی یکی از دو نامزد اصلی یعنی قالیباف و جلیلی. کنار رفتن سه نامزد اول در کمپین‌های انتخاباتی هم افزایش ایجاد می‌کند، ثانیاً سبب می‌شود در چند روز باقی‌مانده که زمان جلب نظر آرای خاموش است، انرژی ستادها برای درگیری‌های داخلی تلف نشود. یک تحلیل محتوای توپیتوری نشان می‌دهد حدود یک سوم محتوای توپیت‌های انتخاباتی در نقد دو نامزد اصلی اصولگرایان بوده است. این بساط با ائتلاف جمع می‌شود.

۳- ائتلاف و به یک گزینه واحد رسیدن حباب تردید در انتخابات و مارپیچ سکوت را می‌شکند و تکلیف خیلی از مردد‌ها را مشخص می‌کند. ۴- ائتلاف می‌تواند روی روند کمپین رقیب هم اثر بگذارد. از طرفی می‌تواند آنها را جدی‌تر کند اما از سوی دیگر ممکن است به ناامیدی هم بکشد و روند رقیب را کند یا حتی آرای رقیب را کاهش کند، خصوصاً اگر آنها بدانند در مشارکت ۵۰ درصدی بسیار محتمل است در دور اول بیازند.

۱- مانع اول خود کاندیداها هستند. بسیاری از نامزد‌هایی که وضع بهتری از نظر ۲- ائتلاف در جریان اصولگرایی در دو سطح مطرح می‌شود؛ اول کنار رفتن دو نامزد فرعی‌تر که برای زیر ۱۰ درصد دارند و دوم اجماع روی یکی از دو نامزد اصلی یعنی قالیباف و جلیلی. کنار رفتن سه نامزد اول در کمپین‌های انتخاباتی هم افزایش ایجاد می‌کند، ثانیاً سبب می‌شود در چند روز باقی‌مانده که زمان جلب نظر آرای خاموش است، انرژی ستادها برای درگیری‌های داخلی تلف نشود. یک تحلیل محتوای توپیتوری نشان می‌دهد حدود یک سوم محتوای توپیت‌های انتخاباتی در نقد دو نامزد اصلی اصولگرایان بوده است. این بساط با ائتلاف جمع می‌شود. ۳- ائتلاف و به یک گزینه واحد رسیدن حباب تردید در انتخابات و مارپیچ سکوت را می‌شکند و تکلیف خیلی از مردد‌ها را مشخص می‌کند. ۴- ائتلاف می‌تواند روی روند کمپین رقیب هم اثر بگذارد. از طرفی می‌تواند آنها را جدی‌تر کند اما از سوی دیگر ممکن است به ناامیدی هم بکشد و روند رقیب را کند یا حتی آرای رقیب را کاهش کند، خصوصاً اگر آنها بدانند در مشارکت ۵۰ درصدی بسیار محتمل است در دور اول بیازند.

موانع و تردیدهای احتمالی برای ائتلاف کدام‌ها هستند؟

۱- مانع اول خود کاندیداها هستند. بسیاری از نامزد‌هایی که وضع بهتری از نظر

دوشنبه ۴ تیر ۱۴۰۳

شماره ۴۱۶۹

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY